درس پنجم
پایه‌های آوایی همسان (۱)

لُبِّ مطلب

درس پنجم دربارهٔ پایه‌های آوایی همسان است.

قبل از این، پایه‌های آوایی را شناختیم. این‌بار بیشتر تمرکز روی هماهنگی پایه‌هاست. پایه‌ها را می‌توان به دسته‌های منظمی تقسیم کرد و همسانی آن‌ها را نشان داد.

هر مصراع به بخش‌های تکراری و هماهنگی تقسیم می‌شود که به آن‌ها «پایه‌های آوایی همسان» می‌گوییم و بعد از این، هنگام بخش‌بندی وزن شعر، به جای خود پایه‌ها، معادل‌های آوایی هر پایه را می‌آوریم و این معادل‌ها و نمادهای آوایی را «وزن‌واژه» می‌نامیم. به زنجیرهٔ نشانه‌های هجایی هم، «خوشهٔ هجایی» گفته می‌شود.

با خواندن درس پنجم انتظار داشته باش دربارهٔ «پایه‌های همسان»، «وزن‌واژه» و «خوشهٔ هجایی» اطلاعات مفیدی به دست بیاوری.

پایه‌های آوایی بیت‌ها، به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر، می‌توان پایه‌ها را به دسته‌هایی منظّم بخش کرد.

مراحل تعیین وزن شعر

الف) تقسیم مصراع‌ها به پایه‌های آوایی همسان

ب) تعیین وزن‌واژه‌ها و خوشه‌های هجایی

نمونه

در این درگاه بی‌چونی، همه لطف است و موزونی　　چه صحرایی، چه خضرایی، چه درگاهی، نمی‌دانم

الف) هر مصراع را به بخش‌ها و پایه‌هایی تکراری و منظّم چهارهجایی جدا می‌کنیم که این پایه‌های تکراری و هماهنگ را «**پایه‌های آوایی همسان**» می‌نامیم.

دَ رِ گا	بی چو نی	هَ مِ لُطْ فَسْ	تُ مُو زو نی
چِ صحْ را یی	چِ خَضْ را یی	چِ در گا هی	نِ می دا نم

ب) سپس به جای هر یک از این پایه‌ها، معادل آوایی هر یک از آن‌ها را می‌آوریم (که به آن‌ها «وزن‌واژه» می‌گویند). سپس علائم هجاها را زیر آن‌ها می‌نویسیم (که به آن خوشهٔ هجایی می‌گویند).

پایه‌های آوایی	دَ رِ گا	بی چو نی	هَ مِ لُطْ فَسْ	تُ مُو زو نی
	چِ صحْ را یی	چِ خَضْ را یی	چِ در گا هی	نِ می دا نم
وزن‌واژه‌ها	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	ــــ U	ــــ U	ــــ U	ــــ U

دقّت کن! «مِ» هجای کوتاه است و با معادل خود در مصراع دوم (در) ناهمسان است؛ یعنی معادل یک هجای بلند در نظر گرفته شده است. شاعران در رعایت موسیقی شعر و آهنگ کلام، گاه این‌گونه اختیارها را مُجاز می‌دانستند که در آینده دربارهٔ آن‌ها می‌خوانی.

وزن‌واژه

وزن‌واژه (رکن): وقتی هجاهای شعری را به شکل درست به پایه‌هایی بخش کردیم، ساده‌تر این است که به جای هر یک از این پایه‌ها، معادل آوایی آن‌ها را بیاوریم. معادل‌ها و نمادهای آوایی این پایه‌ها را «وزن‌واژه» یا «اسم رکن» می‌نامیم.

آشناترین وزن‌واژه‌ها عبارت‌اند از:

فعولن (U_ _)	مفاعیلن (U_ _ _)	فاعلاتن (_U_ _)
مستفعلن (_ _ U_)	فعلاتن (UU_ _)	مفتعلن (_UU_)

فهرست کامل وزن‌واژه‌ها (به تفکیک تعداد هجا)

چهارهجایی	علامت	سه‌هجایی	علامت	دوهجایی	علامت	یک‌هجایی	علامت
مفاعیلن	_ _ _U	مفعولُ	U_ _	فعَل	_U	فع	-
مفاعیلُ	U_ _U	مفعولن	_ _ _	فع لن	_ _		
فاعلاتن	_ _U_	فعولن	_ _U				
فاعلاتُ	U_U_	فعولُ	U_U				
فعلاتن	_ _UU	فَعَلن	_UU				
فَعَلاتُ	U_UU	فاعلن	_U_				
مستفعلن	_U_ _						
مستفعلُ	UU_ _						
مفتعلن	_UU_						
مفاعلن	_U_U						
مفاعلُ	UU_U						

نمونه‌های مشخص‌شده رکن‌هایی هستند که در این درس با آن‌ها روبه‌رو می‌شوی.

الف) مفاعیلن

نمونه

۱-

چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را — که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی‌گیرد

پایه‌های آوایی	چ خُش صیـ دِ	دِ لم کر دی	بِـ نا زم چشـ	مِ مسـ تت را
	کِ کَس آ هو	یِ وَحـ شی را	آ زی بهـ تر	نِـ می گیـ رد
وزن‌واژه‌ها	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	_ _ _U	_ _ _U	_ _ _U	_ _ _U

۲-

برون شو ای غم از سینه که لطف یار می‌آید — تو هم ای دل ز من گم شو که آن دلدار می‌آید

پایه‌های آوایی	بُـ رو شو ای	غـ مَز سیـ نِ	کِ لُطـ فِ یا	ر می آ ید
	تو هم ای دل	زِ من گم شُو	کِ آن دلـ دا	ر می آ ید
وزن‌واژه‌ها	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	_ _ _U	_ _ _U	_ _ _U	_ _ _U

مخلص کلام

خب، این از درس پنجم!

دربارهٔ پایه‌های آوایی همصدا خواندی.

دیدی که پایه‌های آوایی همصدا، بخش‌های تکراری و منظم هجایی را معرفی می‌کنند.

فنیمی که به کار بردن «معادل‌های آوایی» به جای «پایه‌های مختلف» تقطیع وزن مصراع را ساده می‌کند.

دانستی که «وزن‌واژه» عنوانی است برای معادل‌ها و نمادهای آوایی که به جای اصل پایه‌ها نوشته می‌شود.

فهمیدی که «طوقهٔ هجایی» عنوانی است برای نشان‌دادن زنجیرهٔ هجاهای کوتاه و بلند که با «وزن‌واژه» هماهنگ است.

یادگرفتی که در طوقهٔ هجایی به ازای هر هجای کوتاه یک نشانهٔ «ـَ» و به ازای هر هجای بلند یک نشانهٔ «ـه» می‌گذاریم.

همهٔ این‌ها را فوری تجربه کردی: مانند «پرسیدن» و «بافتاری». هر وقت حس کردی آماده‌ای، بیا برای تست!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۳۶- در کدام گزینه به ترتیب به ارکان (وزن‌واژه) معادل واژه‌های «شانه‌زدن ـ زمستانی ـ پیاده‌رو ـ آفتابی» اشاره شده است؟

۱) مفتعلن ـ مفاعیلن ـ مفاعلن ـ فاعلاتن
۲) مستفعلن ـ مستفعلُ ـ مفاعیلن ـ فعلاتن
۳) مستفعلن ـ مفاعیلن ـ مفاعیلن ـ فعلاتن
۴) مفتعلن ـ مفاعلن ـ مفتعلن ـ فاعلاتن

۱۳۷- در کدام گزینه به ترتیب به ارکان (وزن‌واژه) معادل واژه‌های «هواپیما ـ استوانه ـ خانه‌داری ـ هیجانی» اشاره شده است؟

۱) مفاعیلن ـ فاعلاتن ـ فاعلاتُ ـ فاعلاتن
۲) مفاعیلن ـ فاعلاتُ ـ فاعلاتن ـ فعلاتن
۳) مفاعلن ـ فاعلاتن ـ فعلاتن ـ فاعلاتن
۴) مفاعلن ـ فاعلاتُ ـ فاعلاتن ـ فعلاتن

۱۳۸- در کدام گزینه به ترتیب به ارکان (وزن‌واژه) معادل واژه‌های «استفاده ـ بادبان ـ نمی‌خواهم ـ بی همگان» اشاره شده است؟

۱) فاعلاتُ ـ فاعلن ـ مفاعیلن ـ مفتعلن
۲) فاعلاتن ـ فاعلن ـ مفاعلن ـ مفتعلن
۳) فاعلاتُ ـ فاعلاتُ ـ مفاعیلن ـ مستفعلن
۴) فاعلاتن ـ فاعلاتُ ـ مفاعلن ـ مستفعلن

۱۳۹- در کدام گزینه نمونه‌ها به ترتیب با ارکان (وزن‌واژه) «مفاعیلن ـ مفاعلن ـ فاعلن ـ مفتعلن» هم‌وزن‌اند؟

۱) چرا رفتی ـ بیا بیا ـ آتشین ـ می‌ستانم
۲) تو را دیدم ـ کنار من ـ می‌دوم ـ گریهٔ من
۳) رها کردم ـ شتاب کن ـ خاطرات ـ آتش جان
۴) زمین خوردی ـ چه گفته‌ای ـ گردباد ـ سوختنام

۱۴۰- در کدام گزینه نمونه‌ها به ترتیب با ارکان (وزن‌واژه) «مستفعلن ـ فعولن ـ فَعَلاتُ ـ فعلاتن» هم‌وزن‌اند؟

۱) آتش بزن ـ نوشتم ـ خطرات ـ می‌رسانم
۲) بی‌همدمی ـ رسیدی ـ نفروش ـ تو کجایی
۳) بر جانِ ما ـ نخواهد ـ غم عشق ـ شراب جان
۴) ایمان من ـ شتابان ـ اثرات ـ دل یار

۱۴۱- در کدام گزینه نمونه‌ها به ترتیب با ارکان (وزن‌واژه) «مفعولُ ـ مفتعلن ـ مستفعلن ـ فعلاتن» هم‌وزن‌اند؟

۱) آتشین ـ دید مرا ـ دل می‌بری ـ رفتی ز دل
۲) گهواره ـ شانه بزن ـ از ما چرا ـ فراوانی
۳) افتاده ـ بی تو شبی ـ دیدی مرا ـ گلِ نازم
۴) بی‌تابی ـ می‌گذرد ـ بی‌آشیان ـ نگذشتی

۱۴۲- وازگان همهٔ گزینه‌ها به ترتیب با ارکان (وزن‌واژه) «مفاعیلن ـ فاعلاتن ـ فاعلن ـ فاعلاتن» هم‌وزن‌اند، به‌جز _____ .

۱) سپاهانی ـ می‌شتابم ـ برده‌ای ـ دیدی چه شد
۲) بهارانی ـ آسیابان ـ هم‌نفس ـ نامردمان
۳) شرابی را ـ آشنایی ـ بی‌کسی ـ از عشق ما
۴) تو با مایی ـ می‌هراسم ـ عاشقی ـ یادبان را

۱۴۳- واژه‌های همهٔ گزینه‌ها به ترتیب با واژه‌های «بادگیر ـ گداخته ـ بهاری ـ عاطفه ـ ایمان» هم‌وزن‌اند، به‌جز _____ .

۱) التماس ـ مسامحه ـ تبشم ـ روزنه ـ خواری
۲) استوانه ـ مبارزه ـ زمستان ـ همهمه ـ خونین
۳) امتداد ـ شکافته ـ رسیدن ـ ریخته ـ تنها
۴) انتها ـ مشاعره ـ همانا ـ بارقه ـ یاری

۱۴۴- وازگان همهٔ گزینه‌ها به ترتیب با «توانایی ـ خاکستر ـ توضیحات» هم‌وزن‌اند، به‌جز _____ .

۱) جهانداران ـ ایرانی ـ تغییرات
۲) زمستانی ـ تنهاتر ـ حکایات
۳) بیابان‌ها ـ انسان‌ها ـ منّت‌دار
۴) هنرمندی ـ جاویدان ـ وحشتناک

۱۴۵- در تعیین امتداد هجاهای کدام مصراع «ن» حذف می‌شود؟

۱) گفتمش مگذر زمانی گفت معذورم بدار
۲) سوختی افسردگان خام را
۳) به که نفروشند مستوری به مستان شما
۴) ز تخت جم سخنی مانده است و افسر کی

۱۴۶- در کدام گزینه به الگوی هجایی مصراع «می‌گذرد بهار من موسم انتظار من» اشاره شده است؟

۱) _U_U_UU__U_U_UU_ ۲) _U_U__UU__U__UU_

۳) _UU__UU__UU__UU_ ۴) __UU_U_U__UU_U_U

۱۴۷- در کدام گزینه به تقطیع هجایی مصراع زیر اشاره شده است؟

«مرنجان دلم را که این مرغ وحشی»

۱) __U__UU_U_U_U ۲) __U__U__U__U

۳) _UU_UU_UU ۴) __U___U___U

۱۴۸- تقطیع هجایی بیت «می‌سوزد و هم‌چنان هوادار / می‌میرد و هم‌چنان دعاگوست» در کدام گزینه درست نشان داده شده است؟

۱) __U_U_UU__ ۲) __UU__UU__ ۳) ___UU_U_U__ ۴) __UU___U__

۱۴۹- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟

«مرا گر دوستی با او به دوزخ می‌برد شاید / به نقد اندر بهشت است آن که یاری مهربان دارد»

۱) __U / ___U / ___U / ___U ۲) __U_ / __U_ / __U_ / __U_

۳) ___U / ___U / ___U / ___U ۴) _U_ / __U_ / __U_ / __U_

۱۵۰- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟

«شمع پیشت روشنایی نزد آتش می‌نماید / گل به دستت خوبرویی پیش یوسف می‌فروشد»

۱) _U_ / __U_ / __U_ / __U_ ۲) __U_ / __U_ / __U_ / __U_

۳) __UU / __UU / __UU / __UU ۴) _UU / __UU / __UU / __UU

۱۵۱- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟

«هیچ کس را بر من از یاران مجلس دل نسوخت / شمع می‌بینم که اشکش می‌رود بر روی زرد»

۱) _U_ / __U_ / __U_ / __U_ ۲) __U_ / __U_ / __U_ / __U_

۳) _U__ / _U__ / _U__ / __U_ ۴) ___U / ___U / ___U / ___U

۱۵۲- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟

«آشنایان را جراحت مرهم است / زان که شمشیر آشنایی می‌زند»

۱) _U_ / __U_ / __U_ ۲) __U / ___U / ___U

۳) _U / __U / __U / __U ۴) __U_ / __U_ / __U_

۱۵۳- در کدام گزینه به تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر اشاره شده است؟

«دمی با دوست در خلوت به از صد سال در عشرت / من آزادی نمی‌خواهم که با یوسف به زندانم»

۱) ___U / ___U / ___U / ___U ۲) __U_ / __U_ / __U_ / __U_

۳) __U / ___U / ___U / ___U ۴) __UU / __UU / __UU / __UU

۱۵۴- کدام‌یک از ابیات با نمودار هجایی «__U / __U / __U / __U» مطابقت دارد؟

۱) تویی یارا که خواب‌آلوده بر من تاختن کردی / منم یا رب که بخت خود چنین بیدار می‌بینم

۲) یار با ما بی‌وفایی می‌کند / بی‌گناه از من جدایی می‌کند

۳) هم‌چنان عاشق نباشد ور بود صادق نباشد / هر که درمان می‌پذیرد یا نصیحت می‌نیوشد

۴) هر که با مستان نشیند ترک مستوری کند / آبروی نیک‌نامان در خرابات آب جوست

۱۲۲- گزینهٔ ۳ در سه گزینهٔ دیگر ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی به چشم می‌خورد.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ به کار بردن واژهٔ «ایدون»

۲ به کار بردن حرف اضافهٔ «ابا»

۴ به کار بردن واژهٔ «ایدر»

۱۲۳- گزینهٔ ۳ ممدوح در این گزینه خداوند است. در سه گزینهٔ دیگر، ممدوح زمینی و دست‌یافتنی است.

۱۲۴- گزینهٔ ۳ در این گزینه، ممدوح زمینی و دست‌یافتنی است و از ویژگی‌های فکری سبک عراقی دور است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ تقدیرگرایی به جای اختیار و اراده

۲ غم‌گرایی به جای شادی‌گرایی

۴ ستایش عشق به جای ستایش خرد

۱۲۵- گزینهٔ ۳ رواج روحیهٔ اخلاقی این گزینه را با اندیشه‌های شاعران سبک عراقی متناسب کرده است. در سه گزینهٔ دیگر، تفکر حماسی دیده می‌شود که متناسب با ویژگی‌های فکری سبک خراسانی است.

۱۲۶- گزینهٔ ۱ نثر فنّی، کم‌کم در قرن هفتم ضعیف شد و در قرن هشتم با سلطهٔ تیموریان بر ایران از بین رفت.

۱۲۷- گزینهٔ ۲ مفهوم گزینهٔ ۲: ستایش پیامبر اسلام (ص)

بررسی سایر گزینه‌ها تقدیرگرایی و باور به قضا و قدر

۱۲۸- گزینهٔ ۱ در سایر گزینه‌ها معشوق، زمینی و دست‌یافتنی است.

۱۲۹- گزینهٔ ۳ مفهوم مشترک ابیات سؤال و گزینهٔ ۳: نفی وجود مادی

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ دنیا محل گرفتاری است. / فریبندگی زراندوزی و جاه‌طلبی

۲ نکوهش خودخواهی و توصیه به دادگری

۴ دعوت به ترک تعلقات دنیوی

۱۳۰- گزینهٔ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ ۱: نفی وجود مادی

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ اثر کار بد به آدمی می‌رسد.

۳ دعوت به نیکوکاری / اثر کار نیک به آدمی باز می‌گردد.

۴ توصیه به غنیمت‌شمردن روزگار ارزشمند جوانی

۱۳۱- گزینهٔ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ ۲: لازمهٔ پختگی عاشق، هجران است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ رنج فراق

۳ گذران عمر در راه عشق و ناکامی عاشق

۴ توصیه به خاموشی

۱۳۲- گزینهٔ ۳ در این گزینه «سوزید» معادل فعل مضارع التزامی دوم‌شخص جمع است، به معنی «بسوزانید». در سایر گزینه‌ها «سوزید» فعل ماضی ساده سوم‌شخص مفرد است، به معنی «سوخت».

۱۳۳- گزینهٔ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ ۳: دعوت به سنجیده‌گویی

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ اشتیاق و ناکامی عاشق

۲ زیبایی بی‌همتای معشوق

۴ هراس عاشق از ناکامی در وصال معشوق

۱۳۴- گزینهٔ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ ۱: گیرا بودن اشک و آه مظلوم / اثر ظلم به ظالم می‌رسد.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ جفاکاری معشوق

۳ لزوم تحمل سختی برای رسیدن به نتیجهٔ مطلوب

۴ توصیف زیبایی‌های معشوق

۱۳۵- گزینهٔ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ ۴: پشتیبانی معشوق موجب آسایش خاطر است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ هدایت و نجات‌بخشی خداوند و خطاکاری انسان

۲ غفلت و خطاکاری انسان در برابر فریبندگی دنیا

۳ غفلت از حقیقت با وجود آشکاربودن آن

درس پنجم

۱۳۶- گزینهٔ ۱ شانه‌زدن: ـ U U ـ (مفتعلن) / زمستانی: U ـ ـ ـ (مفاعیلن) / پیاده‌رو: U ـ U ـ (مفاعلن) / آفتابی: ـ U ـ ـ (فاعلاتن)

۱۳۷- گزینهٔ ۲ هواپیما: U ـ ـ ـ (مفاعیلن) / استواند: ـ U ـ U (فاعلاتُ) / خانه‌داری: ـ U ـ ـ (فاعلاتن) / هیجانی: UU ـ ـ (فعلاتن)

۱۳۸- گزینهٔ ۱ استفاده: ـ U ـ U (فاعلاتُ) / بادبا✗: ـ U ـ (فاعلن) / نمی‌خواهم: U ـ ـ ـ (مفاعیلن) / بی همگا✗: ـ UU ـ (مفتعلن)

۱۳۹- گزینهٔ ۲ تو را دیدم: U ـ ـ ـ (مفاعیلن) / کنار من: U ـ U ـ (مفاعلن) / می‌دوم: ـ U ـ (فاعلن) / گریهٔ من: ـ UU ـ (مفتعلن)

۱۴۰- گزینهٔ ۲ بی‌همدمی: ـ ـ U ـ (مستفعلن) / رسیدی: U ـ ـ (فعولن) / نفروش: UU ـ U (فعلاتُ) / تو کجایی: UU ـ ـ (فعلاتن)

۱۴۱- گزینه ۳ افتاده: ـ ـ U (مفعولُ) / بی تو شبی: ـ U U ـ (مفتعلن) / دیدی مرا: ـ ـ U ـ (مستفعلن) / گل نازم: U U ـ ـ (فعلاتن)

۱۴۲- گزینه ۴ تو با مایی: U ـ ـ ـ (مفاعیلن) / می‌هراسم: ـ U ـ ـ (فاعلاتن) / عاشقی: ـ U ـ (فاعلن) / بادبان را: ـ U ـ ـ (فاعلاتن)

۱۴۳- گزینه ۴ یادگیر، التماس، استوانه، امتداد: ـ U ـ U / انتها: ـ U ـ

گداخته، مسامحه، مبارزه، شکافته، مشاعره: U ـ U U

بهاری، تبسم، زمستان، رسیدن، هماناد: U ـ ـ

عاطفه، روزنه، همهمه، ریخته، بارقه: ـ U U

ایما، خواری، خونین، تنها، یاری: ـ ـ

۱۴۴- گزینه ۲ وزن‌واژه‌ها در صورت سؤال: توانایی: U ـ ـ ـ / خاکستر: ـ ـ ـ / توضیحات: ـ ـ ـ U

وزن‌واژه‌ها در گزینهٔ ۲: زمستانی: U ـ ـ ـ / تنهاتر: ـ ـ ـ / حکایات: U ـ ـ U

۱۴۵- گزینه ۴ در تعیین امتداد هجاها «ن» ساکنی که بعد از مصوّت بلند قرار بگیرد، حذف می‌شود:

ز تخت جم سخنی ما[ن]ده است و افسر کی

زِ	تخـ	تِ	جَم	شُـ	خَـ	نی	ما	دِ	اسـ	تُ	اف	سَـ	رِ	کی			
U	ـ	U	ـ	U	U	ـ	ـ	U	ـ	U	ـ	U	U	ـ			

۱۴۶- گزینه ۱

می	گُ	ذَ	زد	بَـ	ها	رِ	مَن	مو	بـ	مِ	اِن	بَـ	ظا	رِ	مَن		
ـ	U	U	ـ	U	ـ	U	ـ	ـ	U	U	ـ	U	ـ	U	ـ		

۱۴۷- گزینه ۲ تقطیع مصراع سؤال:

مَـ	زَنـ	جا	دِ	لَم	را	کِ	ا	مُر	غِ	وَحـ	شی						
U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ						

۱۴۸- گزینه ۱ تقطیع بیت سؤال:

می	سو	زِ	دُ	هَم	چُـ	نا	هَـ	وا	دار								
ـ	ـ	U	U	ـ	U	ـ	U	ـ	ـ								
می	میـ	زِ	دُ	هَم	چُـ	نا	دُ	عا	گوست								
ـ	ـ	U	U	ـ	U	ـ	U	ـ	ـ								
مفعولُ		مفاعلن					فعولن										

۱۴۹- گزینه ۳

مَـ	را	گَر	دو	سـ	تی	با	او	پُ	دو	زَخ	می	بَـ	زد	شا	ید		
U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ		
پَـ	قَـ	دَنـ	دَر	بِـ	هِشـ	تَـ	نا	کِ	یا	ری	هِـ	زَ	با	دا	زد		
U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ		
مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن					

۱۵۰- گزینه ۲

شَـ	عَ	پیـ	شت	رو	شَـ	نا	بی	نَز	دِ	آ	تش	می	نـ	ما	ید		
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ		
گُل	بِ	دَسـ	تَت	خو	بـ	رو	بی	پیـ	ش	یو	شَف	می	قُـ	رو	شد		
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ		
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن					

۱۵۱- گزینه ۱

هیـ	چ	کَس	را	بَر	مَـ	نَز	یا	را	نِ	مَجـ	لِس	دِل	نَـ	سوخت			
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ			
شَـ	عَ	می	بیـ	نَم	کِ	آشـ	کَش	می	زَ	وَد	بَر	رو	یِ	زَرد			
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ			
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلن					

۱۵۲- گزینه ۱

آ	شـ	نا	با	را	جـ	را	خت	مَر	هَـ	مَست							
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ							
زا	کِ	شَمـ	شیـ	را	شـ	نا	یی	می	زَ	ند							
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ							
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلن									

۱۵۳- گزینه ۱

ذَ	می	با	دو	بَست	دَر	خَلـ	وَت	بِـ	هَز	مَد	سا	لِ	دَر	عِشـ	زَت		
U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ		
مَـ	نا	زا	دی	نَـ	می	خا	هَم	کِ	با	یو	شَف	بِـ	زَنـ	دا	نَم		
U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ		
مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن					

۱۵۴- گزینه ۳

هَم	چُـ	نا	عا	شِق	تَـ	با	شَد	وَر	بَـ	وَد	صا	دِق	تَـ	با	شَد		
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ		
هَر	کِ	دَر	ما	می	پَـ	ذیـ	زَد	یا	تَـ	صیـ	حَت	می	پَـ	یو	شَد		
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ		
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن					

۱۵۵- گزینه ۱

قَـ	لَم	خا	صیـ	یَـ	تی	دا	زَد	کِ	سَر	تا	سیـ	نِ	بِشـ	کا	فی		
U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ		
دِ	گَر	با	زَش	بِـ	فَر	ما	یی	بِ	فَر	قِ	سَر	ذَ	وا	آ	یَد		
U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ		
مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن					

درس نهم
استعاره

لبِ مطلب

درس نوم آرایهٔ «استعاره» را آموزش می‌دهد. استعاره وقتی اتفاق می‌افتد که از دو رکن باقی‌مانده در تشبیه فشرده، یکی را حذف کنیم تا فقط مشبه یا فقط مشبه‌به باقی بماند. در این حالت، ویژگی رکن محذوف را به رکن موجود نسبت می‌دهیم. استعارهٔ نوع اول استعاره‌ای است که در آن، از کل تشبیه، تنها مشبه‌به بر جا می‌ماند و ویژگی مشبه محذوف به آن نسبت داده می‌شود و استعارهٔ نوع دوم استعاره‌ای است که در آن، از کل تشبیه، تنها مشبه بر جا می‌ماند و ویژگی مشبه‌به محذوف به آن نسبت داده می‌شود. در هر یک از انواع استعاره با توضیح مطلب و آوردن نمونه‌های بسیار، تلاش کردیم با موضوع آشنایی دقیق‌تری پیدا کنی. معرفی آرایهٔ «تشخیص» و شناخت «اضافهٔ استعاری» از دیگر مطالب این درس است.

با خواندن درس نوم انتظار داشته باش دربارهٔ استعاره به عنوان یکی از موضوعات مبحث «بیان» اطلاعات مفیدی به دست بیاوری.

استعاره

در درس ششم یاد گرفتی که گاهی مجاز بر پایهٔ «شباهت» شکل می‌گیرد و علاقهٔ این معنای نهاده و ثانهاده، علاقهٔ مشابهت است؛ به این نوع مجاز، استعاره[1] می‌گویند.

استعاره از نظر لغوی به معنی «عاریت و وام‌گرفتن» است و در اصطلاح ادبی به کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک گفته می‌شود؛ یعنی اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبّه یا مشبّه‌به) بیاید و منظور طرف دیگر تشبیه باشد، استعاره به وجود می‌آید.

استعارهٔ نوع اول

در این استعاره، از کل تشبیه تنها «مشبّه‌به» به جا می‌ماند و «مشبّه» حذف می‌شود؛ به شرطی که نشانه و قرینه‌ای از مشبّه محذوف (حذف‌شده) آورده شود؛ در حقیقت، مشبّه‌به جانشین مشبّه می‌شود. آرایهٔ استعاره در مقایسه با تشبیه زیباتر، رساتر و هنری‌تر است. ببین:

بیت: بهار کرد جهان را ز کوه و صحرا سبز / بهار من! بکن آخر تو نیز ما را سبز

استعاره: بهار (مصراع دوم): استعاره از معشوق

قرینه: اضافه‌شدن ضمیر متّصل «من» به بهار و منادا واقع‌شدن و متمایزشدن آن از بهار طبیعت

سیرِ ساخته‌شدن این استعاره در ذهن شاعر:

تشبیه گستردهٔ چهارجزئی: معشوق در طراوت و زیبایی مانند بهار است.

تشبیه گستردهٔ سه‌جزئی (حذف وجه‌شبه): معشوق مانند بهار است.

تشبیه فشرده (حذف وجه‌شبه و ادات تشبیه): معشوق بهار است.

استعاره (حذف همهٔ ارکان به‌جز مشبّه‌به): بهار

۱- البته این فقط یک نوع از استعاره است و همان است که به آن استعارهٔ نوع اوّل می‌گویند.

نمونه‌های استعارهٔ نوع اول			
بیت یا عبارت	استعاره	مشبه حذف‌شده	قرینه
ای غنچهٔ خندان! چرا خون در دل ما می‌کنی؟ خاری به خود می‌بندی و ما را ز سر وا می‌کنی	غنچه خار	معشوق رقیب	نسبت‌دادن «خندان»، «خون در دل کردن»، «خار به خود بستن» و «از سر واکردن» به غنچه این‌که غنچه (معشوق) آن را با خود همراه می‌کند و به این وسیله، عاشق را از سر خود وا می‌کند.
مرا در خانه سروی هست کاندر سایهٔ قدش فراغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم	سرو (مصراع اوّل)	معشوق	متعلق‌بودن به شاعر و متمایزشدن از سرو و شمشاد واقعی
چو تنها ماند ماه سرو بالا فشاند از نرگسان لؤلؤی لالا	ماه نرگس لؤلؤ	معشوق چشم اشک	تنهاشدن و داشتن قد متعلق‌بودن به معشوق و مروارید ریختن از آن متعلق‌بودن به معشوق و ریختن از چشم در اثر تنهایی
بخت آن نکند با من، کان شاخ صنوبر را بنشینم و بنشانم، گل بر سرش افشانم	شاخ صنوبر	معشوق	نشاندن و گل بر سر افشاندن
سرو چون قدّ خرامان تو نیست لعل چون پستهٔ خندان تو نیست	پسته	دهان	خندان‌بودن پسته و اضافه‌شدن ضمیر «تو» به پسته
ملکا مها نگارا صنما بتا بهارا متحیرم ندانم که تو خود چه نام داری	ملک ماه نگار صنم بت بهار	معشوق معشوق معشوق معشوق معشوق معشوق	نسبت‌دادن همهٔ نام‌ها به یک نفر، در حالی که هیچ‌یک از آن‌ها نیست.
دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من به‌جز از کشته ندروی	نور چشم	پسر	این‌که در مصراع اول با «پسر» سخن گفته شده و مصراع دوم هم ادامهٔ همان موضوع است.
با کاروان حلّه برفتم ز سیستان با حلّهٔ تنیده ز دل بافته ز جان	حلّه (جامهٔ حریر)	شعر	تنیده ز دل و بافته ز جان بودن

بشکن دل بینوای ما را ای عشق این ساز شکستهاش خوش‌آهنگ‌تر است	عشق	انسان	منادا واقع‌شدن و دل‌شکستن	تشخیص
کی‌ام؟ شکوفهٔ اشکی که در هوای تو هر شب ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم	ناله شکوه	انسان انسان	چشم‌داشتن روداشتن	تشخیص / اضافی تشخیص / اضافی
ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی پیغام دوست دادی	باد	انسان	رفتن و پیغام‌دادن	تشخیص
ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را	خار	انسان	سرزنش‌کردن	تشخیص / اضافی
شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجرهٔ من	شب	انسان	ایستادن و نگاه‌کردن	تشخیص
اینت دانی چرا غماز نیست؟ چون که زنگار از رخش ممتاز نیست	آینه	انسان	رخ‌داشتن	تشخیص

مخلص کلام

قُپ، این از درس نوم!

دربارهٔ استعاره به عنوان یکی از موضوعات مبحث «بیان» فراوانی.

دیدی که استعاره به کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک گفته می‌شود.

شنیدی که در استعارهٔ نوع اول ویژگی مشبه محذوف به مشبه‌به نسبت داده می‌شود.

دانستی که در استعارهٔ نوع دوم ویژگی مشبه‌به محذوف به مشبه نسبت داده می‌شود.

فهمیدی که «تشخیص» نسبت‌دادن ویژگی انسانی به غیرانسان است که در واقع گونه‌ای است از استعارهٔ نوع دوم.

یاد گرفتی که برای تسلط بر موضوع استعاره، لازم است نمونه‌های زیادی را با تحلیل ارکان آن‌ها بررسی کنی.

همهٔ این‌ها را فوری تجربه کردی، مانده «پرسیدن» و «بااقتدار». هر وقت حس کردی آماده‌ای، بیا برای تست!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۲۷۵- در کدام گزینه آرایهٔ «استعاره» به کار رفته است؟ (سراسری انسانی ۸۴)

۱) من آنم که در پای خوکان نریزم / مر این قیمتی دُرّ لفظ دری را

۲) به تظلم اندر آری دروغی طمع را / دروغ است سرمایه مر کافری را

۳) به علم و به گوهر کنی مدحت آن را / که مایه‌ست مر جهل و بدگوهری را

۴) اگر شاعری را تو پیشه گرفتی / یکی نیز بگرفت خنیاگری را

۲۷۶- در کدام گزینه آرایهٔ «استعاره» به کار رفته است؟ (سراسری تجربی ۸۱)

۱) گهی با من به صلحی گه به جنگی / خدا تو به دهادت زین دورنگی

۲) به کام دشمنم کردی نه نیکوست / که بدکاری‌ست دشمن‌کامی ای دوست!

۳) دگر باره جهاندار از سر مهر / به گل‌رخ گفت کای سرو سمن‌چهر!

۴) به ناخن سنگ برکندن ز کهسار / به از حاجت به نزد ناسزاوار

۲۷۷- در کدام بیت با ذکر «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره پدید آمده است؟

۱) روز شادی همه‌کس یاد کند از یاران / یاری آن است که ما را شب غم یاد کنید

۲) گر چنان است که از دل‌شدگان می‌پرسید / گاه‌گاهی ز من دل‌شده هم یاد کنید

۳) بلبل خستهٔ بی برگ و نوا را آخر / به نسیم گلی از باغ کرم یاد کنید

۴) چون من از پای فتادم نبود هیچ غریب / گر من بی سر و پا را به قدم یاد کنید

۲۷۸- در کدام بیت با آوردن «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره شکل گرفته است؟

۱) کار ما با ستمگری افتاد / که به‌جز قصد ما ندارد کار
۲) پیش عشاق لطف باشد قهر / نزد مشتاق فخر باشد عار
۳) آهوان صید مردم‌اند و دلم / صید آن آهوان مردم‌دار
۴) کامت از عشق می‌شود حاصل / گام برگیر و کام دل بردار

۲۷۹- در کدام بیت با ذکر «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره پدید آمده است؟

۱) صبح برآمد به بام مرغ درآمد به زیر / صبح تبسم نمای مرغ ترنم‌نواز
۲) قاتل مشتاق گو تیغ مکش در حرم / رهزن عشاق گو چنگ مزن در حجاز
۳) آن مه طوبی خرام گر به چمن بگذرد / سرو خرامان برد قامت او را نماز
۴) دلبر شیرین سخن بیش نماید عتاب / شاهد سیمین بدن بیش کند کبر و ناز

۲۸۰- در کدام بیت ذکرکردن «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره را پدید آورده است؟

۱) هر که دارد سر محبت تو / گو ز خواجو بیا و عشق آموز
۲) کای گل تازه‌روی خندان‌لب / وی دل‌آرای بوستان‌افروز
۳) از تو خالی نبودمی یک دم / وز تو دوری نجستمی یک روز
۴) بر کناری برو چو چنگ بساز / در میانی بیا چو عود بسوز

۲۸۱- در همهٔ گزینه‌ها با ذکر «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره به وجود آمده است، به‌جز ..... .

۱) از لعل تو گر یابم انگشتری زنهار / صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
۲) ای جان من! جهان لطافت تویی ولیک / دل بر وفای عهد جهان چون توان نهاد؟
۳) گفتم ای سرو سهی! بنشین که بنشیند بلا / گفت بنشینم ولیکن نه بلا، بالاست این
۴) به شب روشن شدی راهم ز رویش / ز مویش گرچه بیم گمرهی بود

۲۸۲- در همهٔ گزینه‌ها با ذکر «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره به وجود آمده است، به‌جز ..... .

۱) ز دیده دست بشویم اگر نه روی تو بیند / ز سر طمع ببرم گر در او هوای تو نبود
۲) اگر ز پستهٔ تنگ تو دم زند غنچه / نسیم باد صبا در دمش دهن بدرد
۳) چو به خنده بازیابم اثر دهان تنگش / صدف گهر نماید شکر عقیق‌رنگش
۴) گفتار تلخ از آن لب شیرین چو شکّر است / ای جان من که خسرو خوبان عالمی!

۲۸۳- در همهٔ گزینه‌ها با ذکر «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره به وجود آمده است، به‌جز ..... .

۱) دل در پی او فتاد و او را / خود در دل تنگ من وطن بود
۲) با من به سلام خشک، ای دوست! زبان تر کن / تا از مزه هر ساعت لعل ترت افشانم
۳) لعل تو نقل و باده، حرف تو تلخ و شیرین / روی تو آب و آتش، چشم تو ترک و هندو
۴) سایهٔ بالای آن سرو از سر من کم مباد / زان‌که بر من رحمتی از عالم بالاست این

۲۸۴- در همهٔ گزینه‌ها آمدن «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره را پدید آورده است، به‌جز ..... .

۱) نیامد سرو من بیرون که بر گرد سرش گردم / بهسان گردباد از غم به خود پیچیدم و رفتم
۲) به تیره‌روزی من چشم روزگار گریست / ندانم آن مه تابان چه در کمان دارد
۳) همچون کمر به گرد میانش درآمدم / او را میان ندیدم و او در میان نبود
۴) نرگست در طاق ابرو از چه خفتد بی‌خبر / زان‌که جای خواب مستان گوشهٔ محراب نیست

۲۸۵- در همهٔ گزینه‌ها با ذکر «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره به وجود آمده است، به‌جز ..... .

۱) می‌کنم از سینه بیرون این دل افسرده را / بشنوم تا چند بوی این چراغ مرده را؟
۲) گرفتم آتش دل در نظر نمی‌آید / نگاه می‌نکنی آب چشم چون جویم؟
۳) ناخن نزد کسی به دل سر به مهر ما / این غنچه ناشکفته بر این شاخسار ماند
۴) من در نیاز بودم و اصحاب در نماز / لیکن نیاز من همه عین نماز بود

۲۸۶- در همهٔ گزینه‌ها با آمدن «مشبّه‌به» آرایهٔ استعاره پدید آمده است، به‌جز ..... .

۱) در آن زمان که امید بقا خیال بود / خیال روی توام در خیال خواهد بود
۲) بهار کرد جهان را ز کوه و صحرا سبز / بهار من! بکن آخر تو نیز ما را سبز
۳) چارهٔ چشم گران‌خواب است «صائب»، شور عشق / با نمک تلخی از این بادام می‌باید کشید
۴) هر چند نمک چون شکرت شور جهانی‌ست / لیکن لب لعلت نمکی بس شکرین است

۲۷۰- گزینهٔ ۴ تقطیع بیت سؤال:

بَـ	خا	بَش	مَـ	گُر	دیـ	دِ	ای	شعـ	دِ	یا	
U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	
زَ	با	دَر	کَـ	شمـ	رو	زَ	کا	دو	ش	بود	
U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	
فعولن			فعولن			فعولن			فعل		

تقطیع گزینهٔ ۴:

خُـ	دا	یا	بِ	خا	ری	مَـ	را	نَز	دَ	زم	
U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	
کَ	صو	رَت	نَـ	بَنـ	دَد	دَ	ری	دیـ	گَـ	زم	
U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	
فعولن			فعولن			فعولن			فعل		

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) مفاعیلن مفاعیلن فعولن

۲) مفعولُ مفاعلن فعولن

۳) مفتعلن مفتعلن فاعلن

۲۷۱- گزینهٔ ۲ وزن بیت سؤال و بیت‌های «الف ـ ت ـ ث»:

مفتعلن مفتعلن فاعلن

بررسی سایر گزینه‌ها

ب) مفعولُ مفاعلن فعولن

پ) مفاعیلن مفاعیلن فعولن

۲۷۲- گزینهٔ ۴ وزن گزینهٔ ۴: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

۲۷۳- گزینهٔ ۲ تقطیع صورت کامل‌شدهٔ بیت سؤال:

عا	شِـ	قِ	مَهـ	جو	رِ	بَـ	گُر	عا	لَـ	مِ	پُر	شو	رِ	بَـ	گُر
ـ	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ
تشـ	نِ	یِ	مَخـ	مو	رِ	بَـ	گُر	ای	شَـ	بِ	خَـ	ما	رِ	بِـ	یا
ـ	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ
مفتعلن				مفتعلن				مفتعلن				مفتعلن			

۲۷۴- گزینهٔ ۱ تقطیع صورت کامل‌شدهٔ ابیات سؤال:

تا	چَنـ	دِ	گو	یی	ما	وُ	تِس	کو	تَه	گُـ	نی	زَعـ	تا	وُ	تِس
ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ
نَ	خُد	تُ	یی	زیـ	با	وُ	تِس	ما	تیـ	زِ	هم	بد	تیـ	ـــ	تیم
ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ
گو	یی	چِ	شد	کا	سر	و	بن	با	ما	نِـ	می	گو	یَد	سَـ	خُن
ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ
گو	یی	و	فا	یی	پر	مـ	کن	ما	تیـ	زِ	هم	بد	تیـ	ـــ	تیم
ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ
مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن			

درس نهم

۲۷۵- گزینهٔ ۱ استعاره: خوکان استعاره از صاحبان نالایق قدرت و حکومت

ترکیب «دُرّ لفظ دری» اضافهٔ تشبیهی است.

۲۷۶- گزینهٔ ۳ استعاره: سرو استعاره از معشوق

واژه‌های «گلرخ» و «سمن‌چهر» تشبیه دارند.

۲۷۷- گزینهٔ ۳ در این بیت شاعر خود را به بلبل تشبیه کرده اما مشبه را نیاورده و تنها «مشبه‌به» را ذکر کرده و به این ترتیب، استعاره ساخته؛ اصل تشبیه این‌طور بوده است:

[من] [همانند] بلبل هستم.

۲۷۸- گزینهٔ ۳ در این بیت، در مصراع دوم، شاعر زیبارویان را به آهوان تشبیه کرده، امّا مشبه را نیاورده و تنها «مشبه‌به» را ذکر کرده و به این ترتیب، استعاره ساخته؛ اصل تشبیه این‌طور بوده است:

[زیبارویان] [همانند] آهوان هستند.

۲۷۹- گزینهٔ ۳ در این بیت شاعر معشوق را به «مه» تشبیه کرده، اما مشبه را نیاورده و تنها «مشبه‌به» را ذکر کرده و به این ترتیب، استعاره ساخته؛ اصل تشبیه این‌طور بوده است:

[معشوق] [همانند] مه است.

در گزینهٔ ۱ هم، چندین استعاره دیده می‌شود؛ اما این استعاره‌ها با ذکر «مشبه» پدید آمده‌اند و نه «مشبه‌به»:

صبح [همانند] [انسان] است. (انسان حذف شده و ویژگی آن (تبسم‌نمودن) به صبح نسبت داده شده است.)

مرغ [همانند] [انسان] است. (انسان حذف شده و ویژگی آن (ترنم‌نواختن) به مرغ نسبت داده شده است.)

۲۸۰- گزینهٔ ۲ در این بیت شاعر معشوق را به گل تشبیه کرده اما مشبه را نیاورده و تنها مشبه‌به را ذکر کرده و به این ترتیب، استعاره ساخته؛ اصل تشبیه این‌طور بوده است:

[معشوق] [همانند] گل است.

در گزینهٔ ۴ نیز تشبیه دیده می‌شود و مشبه و مشبه‌به هر دو حضور دارند:

تشبیه تو به چنگ / تشبیه تو به عود

۲۸۱- گزینهٔ ۴ در این گزینه هم استعاره وجود دارد، اما این استعاره با ذکر مشبه‌به به وجود نیامده، بلکه تنها مشبه ذکر شده است:

رویش [مانند] [ماه].

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) در این گزینه لب به لعل تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲) در این گزینه معشوق به جان تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (جان) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳) در این گزینه معشوق به سرو تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (سرو) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲۸۲- گزینهٔ ۱

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ در این گزینه دهان معشوق به پسته تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (پسته) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه لب معشوق به شکر تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (شکر) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در این گزینه معشوق به جان تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (جان) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲۸۳- گزینهٔ ۱

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ در این گزینه اشک خونین به لعل تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه دهان معشوق به لعل تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در این گزینه معشوق به سرو تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (سرو) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲۸۴- گزینهٔ ۳ در گزینهٔ ۳ تشبیه دیده می‌شود و مشبه و مشبه‌به هر دو حضور دارند:

تشبیه من به کمر (کمربند)

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ در این گزینه معشوق به سرو تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (سرو) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه معشوق به غنچه تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (غنچه) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در این گزینه چشم معشوق به نرگس تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (نرگس) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲۸۵- گزینهٔ ۴ در گزینهٔ ۴ تشبیه دیده می‌شود و مشبه و مشبه‌به هر دو حضور دارند: تشبیه نیاز به نماز.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ در این گزینه دل افسرده به چراغ مرده تشبیه شده اما در جملهٔ آخر بیت، تنها مشبه‌به (چراغ) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه عشق به آتش تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (آتش) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه دل به غنچه تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (غنچه) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

همین‌طور، وجود شاعر به شاخسار تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (شاخسار) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲۸۶- گزینهٔ ۱

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ در این گزینه معشوق به بهار تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (بهار) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه چشم به بادام تشبیه شده اما در جملهٔ آخر بیت، تنها مشبه‌به (بادام) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در این گزینه لب به شکر تشبیه شده اما در جملهٔ اول، تنها مشبه‌به (شکر) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲۸۷- گزینهٔ ۳

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ در این گزینه دهان به لعل تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه زلف معشوق به سنبل تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (سنبل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

و نیز چهرهٔ معشوق به لاله تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (لاله) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

همین‌طور، دهان معشوق به پسته تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (پسته) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در این گزینه معشوق به گلبن تشبیه شده، اما تنها مشبه‌به (گلبن) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲۸۸- گزینهٔ ۴ در این گزینه هم، استعاره وجود دارد، اما این استعاره با حذف «مشبه‌به» به وجود آمده و نه با ذکر آن:

دل [مانند] [انسان] است. این که «دل» سزای شاعر را بدهد، تشخیص و استعارهٔ نوع دوم است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ در این گزینه شاعر یا خاطر او به شتر تشبیه شده اما در جملهٔ آخر تنها مشبه‌به (شتر) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه لب معشوق به لعل تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (لعل) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۳ در این گزینه معشوق به ماه تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (ماه) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

همین‌طور، معشوق به نقش (نقاشی) تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (نقش) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲۸۹- گزینهٔ ۳

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ در این گزینه تن فرسوده به برگ کاه تشبیه شده اما در جملهٔ آخر، تنها مشبه‌به (برگ کاه) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۲ در این گزینه چشم معشوق به نرگس تشبیه شده اما تنها مشبه‌به (نرگس) ذکر شده و استعاره به وجود آمده است.

۴ در این گزینه معشوق به ترتیب به خسرو، یوسف و طوطی تشبیه شده اما تنها مشبه‌به‌ها (خسرو، یوسف و طوطی) ذکر شده‌اند و استعاره به وجود آمده است.